

## حسینیه دل

از روزی که در نهر جانمان فرات سوز و علقمه عطش جاری ساخته‌اند، از شبی که در پیاله دلمان شربت گوارای ولایت ریخته‌اند، دلمان یک حسینیه پر شور است...



... حسینیه دل ...

بسم الله الرحمن الرحيم

از روزی که در نهر جانمان فرات سوز و علقمه عطش جاری ساخته‌اند، از شبی که در پیاله دلمان شربت گوارای ولایت ریخته‌اند، دلمان یک حسینیه پر شور است.

در حسینیه دلمان، مرغهای محبت‌سینه می‌زنند و اشک‌های یتیم در خرابه چشم، بی‌قراری می‌کنند.

سینه ما تکیه‌ای قدیمی است، سپاهپوش با کتیبه‌های درد و داغ، که درب آن با کلید #171& یا حسین» باز می‌شود و زمین آن با اشک و مژگان، آب و جارو می‌شود.

ما دلهای شکسته خود را وقف اباعبدالله (ع) کرده‌ایم و اشک خود را نذر کربلا، و این #171& ووقفنامه» به امضای حسین (ع) رسیده است.

صبحها وقتی سفره عزا گشوده می‌شود، دل روح مان گرسنه عاطفه و تشنه عشق می‌شود. ابتدا چند مشت آب بیداری به صورت جان می‌زنیم تا خواب غفلت را بشکنیم.

زیارتنامه را که می‌بینیم، چشمان آب می‌افتد و السلام علیک را که می‌شنویم، بوی خوش کربلا به مشام ما می‌رسد.

توده‌های بغض، در گلویمان متراکم می‌گردد و هوای دلمان ابری می‌شود و آسمان دیدگانمان بارانی!

سر سفره ذکر مصیبت، قندان دهانمان را پر از حبه قندهای #171& یا حسین» می‌کنیم و نمکدان چشمانمان دانه دانه اشک بر صورتمان می‌پاشد، به دهان که می‌رسد،

قند و نمک در کاممان می‌آمیزد و این محلول شور و شیرین با درمان عشق ماست و ما نمک‌گیر سفره حسین(ع) می‌شویم و این است که تا آخر عمر، دست و دل از حسین (ع) بر نمی‌داریم.

آنگاه، جرعه جرعه زیارت عاشورا می‌نوشیم و سر سفره توسل، ولایت را لقمه لقمه در دهان کودکانمان می‌گذاریم.

در این خشکسالی دل و قحطی عشق، نم‌نم باران اشک، غنیمتی است!

خدایا!... ما را به چشمه کربلا تشنه‌تر کن!

نویسنده: جواد محدثی